

مدارس و رسالت آموزش عمومی

محمد داوری

وقتی از نظام آموزش و پرورش سخن به میان می‌آید منظور همان مدرسه است، کانونی که از وزیر تا مستخدم مدرسه همه و همه نقش پشتیبان و زمینه‌ساز را دارند تا مدرسه کارآمد باشد. در کانون مدرسه نیز محور دانش‌آموز است و مدیریت یا راهبري آموزشی و پرورشی هم با محوریت معلم باید صورت گیرد و سایر نیروهای مستقر در مدرسه نیز نقش پشتیبانی دانش‌آموز و معلم را برعهده دارند، اما همه اینها در طول دوران مدرسه باید با رویکرد رسالت اصلی یعنی «آموزش عمومی» صورت گیرد. آموزش عمومی در تمام نظام‌های آموزشی دنیا برای دوران مدرسه و دوره سنی کودکی و نوجوانی از مهم‌ترین وظایف دولت‌هاست تا حدی که دولت‌ها وظیفه دارند آموزش عمومی را اجباری کنند و خانواده‌ها به ویژه والدینی که در فرستادن فرزندان‌شان کوتاهی می‌کنند را مورد مواخذه و حتی محاکمه و مجازات قرار دهند، چراکه آموزش‌های عمومی به عنوان رسالت اصلی مدارس به این منظور انجام می‌شود که همه کودکان و نوجوانان سطحی از دانش و مهارت‌های لازم برای زندگی فردی و جمعی را بیاموزند تا زیست جمعی تضمین شود؛ همان چیزی که در دنیای جدید تحت عنوان وظایف و حقوق شهروندی نیز مطرح می‌شود. متأسفانه یکی از نشانه‌های ناکارآمدی نظام آموزشی ما این است که مدارس تا حد زیادی از مسیر رسالت اصلی خود یعنی «آموزش عمومی» خارج شده‌اند و متاثر از رویکرد کنکور و دانشگاه محوری به جای تاکید بر آموزش عمومی بر آموزش‌های اختصاصی و کنکورمحور متمرکز شده‌اند و این تمرکز آنقدر مورد افراط قرار گرفته که حتی به مقطع ابتدایی هم کشیده شده است. این در حالی است که در طول 13 سال از پیش‌دبستانی تا سال پایانی دوران مدرسه دانش‌آموزان باید برای ورود به اجتماع دانش و مهارت لازم را فرا گیرند نه برای ورود به دانشگاه. به همین دلیل دانش‌آموزان بدون اینکه تربیت شده باشند تا در زندگی فردی و اجتماعی موفق شوند وارد دانشگاه یا جامعه می‌شوند و حاصل این ورود رشد نیافته هزاران آسیب در ابعاد مختلف است...

آسیب‌هایی هم که در زمینه زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی به روشنی خودنمایی می‌کند و عدم رضایت از خود و دیگری مهم‌ترین نشانه

